۱۳۸۷ / ۸ / ۱۸

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب جلاء العیون / فارسی

مصنف ملا محمد باقر مجلسی

مؤلف

خطی نسخ مختلف الخط

چاپی

سال چاپ یا تحریر ۱۱۰۴ ق عدد اوراق ۲۴۱

جزء کتب اخبار شماره

شماره عمومی ۱۰۲۱۹ شماره قبض

واقف حاج شیخ محمد باقر مازندرانی تاریخ وقف ۱۳۴۹

طول ۲۶ عرض ۱۷

آفت زدائی شد ۶۹/۳/۴

۲۴۶

باز بین شد
۱۳۵۳ خ

بازیافته
۱۳۵۳خ

کتاب جلاء العیون

۱۸۹ کتابخانه آستان قدس
ویژه خطی

۱

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

ستایش بی‌منتها و ثنای بی‌انتها سزاوار خداوند بی‌نیازی است که به ذکر مصائب و استماع نوائب
سرداران مسالک قرب و وصال و جان‌فشانان معارک اطاعت و امتثال کحل جواهر
جلای عیون ارباب ایمان و یقین کرد و غبار فتنه‌ها را در نظر دیده‌بینان مراحل
معرفت و اعتبار از کحل الجواهر ابصار و بوی عزت و افتخار به جای بی‌شمار بر تربت ایشان و صلوات
سنی البیات و تحیات متواترات بر سید انبیا و بر اصفیا اطهار ارباب محنت و بلا و نفاق اصحاب مصیبت
و ابتلا فرمانفرمای عالم غیب و شهود و صدرنشین محفل قرب رحیم ودود و شفیع درماندگان
روز جزا ذخیره تهی‌دستان عالم بقا احمد مصطفی و بر آل بی‌مثال او که به صیقل محبت و ولای خود
آیینه سینه‌های مؤمنان را از زنگ شکوک و شبهات جلا داده قابل انعکاس کلمات محمد عقیدت
ساخته‌اند و در بوستان شجاعت کلهای رنگارنگ شهادت به بار آورده مشاهده جان
محرومان را به شمیم شفاعت نواخته‌اند فصلوات الله علیه و علیهم اجمعین و لعنة الله علی اعدائهم و
قاتلیهم و ظالمیهم الی یوم الدین تشنه‌لب زلال فیض ربانی و آرزومند ادراک سعادت
جاودانی محمد باقر بن محمد تقی عفی الله عن جرائمهما به اخوان ایمانی و خلان
روحانی تقریر می‌نماید که چون بمقتضای اخبار متواتره و آثار متظاهره تذکر و تذکیر و
ولایت که دایماً محزون شدن و محزون ساختن به بلایا و محن اهل بیت رسالت که از جمیع مصیبت‌ها
بارگاه احدیت عظیم‌تر است و شرکای این مصائب از ملائکه مقربین و انبیای مرسلین و ساکنان
گنبد کاه ارض و سما و مرغان هوا و ماهیان دریا و وحشیان صحرا از همه مصیبت بیشتر است
طاعات و اشرف قربات است و سبب نیل سعادات و رفع درجات میگردد و اطلاع بر احوال سعادت
مآل پیشوایان دین و سفیران درگاه رب العالمین موجب قوت ایمان و یقین
میشود و در هنگام نزول حوادث دوران و حدوث نوائب زمان
تفکر در آلام و مصائب ایشان در راضی شدن به قضاهای
ربانی و دفع وساوس شیطانی تأثیر عظیم دارد و آنچه درین باب به لغت فارسی در
سلک تألیف درآورده‌اند اکثر ناقص و ناتمام است و بعضی
از کتب سیر و اخبار مخالفان اخذ نموده‌اند

که اعتمادی را نمی‌شایند

۲

و بسا باشد که برای جمعی که مایه وافی از علم نداشته باشند ضرر عظیم نماید و موجب خلل در
عقاید ایمانی ایشان گردد و این شکسته در کتاب بحار الانوار آنچه متعلق به احوال شریف ایشان
است در چند مجلد استیفا کرده‌ام و در کتاب حیاة القلوب نیز اکثر آنها بر وجه اختصار
مذکور شده است و چون از کتاب اول عوام را چندان انتفاعی نیست و تحصیل کتاب دوم برای اکثر
مردم متعسر است لهذا این قلیل البضاعه را با اختلال احوال و وفور اشغال و هجوم هموم و
آلام و طریان عوارض و اسقام به خاطر فاتر رسید که کتابی مختصر درین باب به لغت فارسی تألیف
نماید که مقصور بر ذکر ولادت و شهادت حضرات سید المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله
علیهم اجمعین بوده باشد بر وجهی نوشته شود که همه خلق را از آن بهره بوده باشد و بر ترجمه
الفاظ روایات معتبره اقتصار نموده مقید به حسن عبارات و تنوع استعارات نگردد و از
غیر احادیث معتبره که از کتب افاضل محدثان امامیه رضوان الله علیهم اخذ نموده چیزی نقل
ننماید تا مؤمنان در خواندن و شنیدن آن به ثواب استماع احادیث ائمه دین علیهم السلام که اشرف
طاعات و ارفع سعادات است فایض گردند و به محزون گردیدن و گریستن بر مصائب جلیله برگزیدگان
رب العالمین به درجات مقربین برسند و بهره از ثواب جزیل ایشان به این غریق بحر عصیان
بحال حیوة و بعد از وفات عاید گردد و چون اشک ریختن در مصائب پیشوایان دین موجب
جلای دیده‌های ظاهر و باطن مؤمنین میگردد لهذا آن را به جلاء العیون مسمی کرده‌ام و بر مقدمه و
چهارده باب و خاتمه بر چهارده باب مرتب ساخت و علی الله توکلت فی جمیع اموری
و هو حسبی و نعم الوکیل اما مقدمه در بیان ثواب گریستن بر مصائب حضرت رسالت
صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین و محزون بودن برای ایشان
ابن بابویه به سندهای موثق و معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده‌اند که هر
که به یاد آورد مصیبت ما را و بگرید برای آنچه مرتکب شده‌اند از ما باشد در درجه ما
در روز قیامت و کسی که به یاد دیگران آورد مصیبت ما را پس بگرید و بگریاند گریان نگردد
دیده او در روزی که دیده‌ها گریان باشد و کسی که بنشیند در مجلسی که در آن مجلس احیاء امر ما نمایند
و احوال ما و احادیث ما را بیان کنند نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و علی بن
ابراهیم بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است که هر که ما را به یاد آورد یا نزد او
مذکور شویم و بیرون آید از دیده او آب به قدر بال مگسی حق تعالی گناهان او را بیامرزد هر چند
بیشتر از کف دریا بوده باشد

یعنی خداوندا وعدهٔ نصرت که بمن فرموده وفا کن و امر خلافت و امامت مرا اتمام کن و استیلا و انتقام مرا از دشمنان
ثابت گردان و پرکن زمین را بسبب من از عدل و داد و در روایت دیگر چنانست که چون صاحب الامر عم متولد شد
نوری از و ساطع گردید که باآفاق و آسمان پهن گردید و مرغان سفید دیدم که از آسمان بزیر آمدند و بالهای خود را بر سر
و رو و بدن آنحضرت میمالیدند و پرواز میکردند پس حضرت امام حسن عم مرا آواز داد که ای عمه فرزند مرا در بر گیر
و بسوی من بیاور پس چون برگشتم او را ختنه کرده و ناف بریده و پاک و پاکیزه یافتم و بر ذراع راستش نوشته بود
که جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا یعنی حق آمد و باطل مضمحل شد و محو گردید بدرستی که
باطل مضمحل است نیست و ثبات و بقا نمیدارد پس حکیمه گفت که چون آن فرزند سعادتمند را بنزد پدر بزرگوار بردم
همین که نظرش بر پدر افتاد سلام کرد پس حضرت او را گرفت و زبان مبارک بهر دو دیده اش مالید و در دهان و هر دو گوش
او زبان گردانید و بر کف دست چپ او را نشانید و دست مطهر بر سر آن سرور مالید و گفت ای فرزند سخن بگو بقدرت الهی پس
حضرت صاحب الامر عم استعاذه فرمود و گفت بسم الله الرحمن الرحیم ونرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض
ونجعلهم ائمة ونجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض ونری فرعون وهامان وجنودهما منهم ما کانوا یحذرون
و این آیهٔ کریمه موافق احادیث معتبره در شان آنحضرت و آبای بزرگوار او نازل شده است و ترجمهٔ ظاهر لفظش که میخواهیم
منت گذاریم بر جماعتی که ایشان را ستمکاران در زمین ضعیف گردانیده اند و بگردانیم ایشان را پیشوایان دین و بگردانیم
ایشان را وارثان زمین و تمکین و استیلا بخشیم ایشان را در زمین و بنمائیم بفرعون و هامان یعنی ابوبکر و عمر علیهما اللعنه
و لشکرهای ایشان از آن امامان آنچه را حذر میکردند برگشتیم بترجمهٔ حدیث پس حضرت صاحب الامر عم صلوات بر
حضرت رسالت پناه و حضرت امیر المؤمنین و جمیع امامان علیهم الصلوة والسلام فرستاد تا پدر بزرگوار خود پس
حال مرغان بسیار نزدیک سر مبارک آنحضرت پیدا شدند پس یکی از آن مرغان صدا زد که این طفل را برگیر و نگاه دار و
محافظت نما و هر چهل روز یک مرتبه نزد ما بیاور مرغ آنحضرت را گرفت و بسوی آسمان پرواز کرد و سایر مرغان نیز از عقب
پرواز کردند حضرت امام حسن عم فرمود که سپردم ترا بآن کسی که مادر موسی با و سپرد موسی را پس نرجس خاتون گریان
حضرت فرمود که ساکت شو که شیر از غیر پستان تو نخواهد خورد و بزودی او را بسوی تو برمیگردانند چنانچه حضرت
موسی را بسوی مادرش داد و مادرش با و روشن کرد پس حضرت حکیمه پرسید که این چه مرغ بود که صاحب با و سپرد
فرمود که این روح القدس است که موکل است بائمه علیهم السلام ایشان را موفق میگرداند از جانب خدا و از خطا نگاه
میدارد و ایشان را بعلم زینت میدهد حکیمه گفت که چون چهل روز گذشت بخدمت آنحضرت رفتم چون داخل شدم
دیدم طفلی را که در میان خانه راه میرود گفتم ای سید من این طفل دو ساله است حضرت تبسم نمود و فرمود که اولاد
پیغمبران و اوصیای ایشان هرگاه امام باشند برخلاف اطفال دیگر نشو و نما میکنند [illegible] ایشان مانند یکساله دیگرانست
و ایشان در شکم مادر سخن میگویند و قرآن میخوانند و عبادت پروردگار میکنند و در هنگام شیر خوردن ملائکه فرمان
ایشان میبرند و صبح و شام بر ایشان نازل میشوند پس حکیمه فرمود که هر چهل روز یک مرتبه بخدمت او میرسیدم در
زمان حضرت امام حسن عم تا آنکه چند روز قبل از وفات آنحضرت او را ملازمت کردم بصورت مرد کاملی او را نشناختم
بفرزند برادر خود گفتم که این مرد کیست که مرا میفرمائی نزد او بنشینم فرمود که این فرزند نرجس است و خلیفهٔ منست بعد از
من و عنقریب من از میان شما میروم باید که سخن او را قبول کنی و امر او را اطاعت نمائی پس بعد از چند روز حضرت امام حسن

حضرت عم
راست م
فرعون و م
اینست م
بسوی م
بر گردانیدند
آنچه حق تعالی فرموده است
برگردانیدیم موسی را
بسوی مادرش م
هدیه کردم
حضرت

[illegible] پیغمبر ما
بچه سؤال [illegible]
[illegible] صاحب الامر عم مشتاق لقای آنحضرت شدم رود
و این شدم است که حکیمه گفت بعد [illegible]
حضرت امام حسن عم و پرسیدم که مولای من کجاست فرمود که سپردم او را بآن کسی که از ما و تو با و احق و اولی بود چو
هفتم شود بیا بنزد ما چون روز هفتم رفتم گهواره دیدم بر سر گهواره دویدم مولای خود را دیدم چون ماه شب چهارده و
روی من میخندید و تبسم میفرمود پس حضرت آواز دادند که فرزند مرا بیاور چون بخدمت آنحضرت بردم زبان مبارک در
دهان او گردانید و فرمود که سخن بگو ای فرزند حضرت صاحب الامر عم شهادتین فرمود و صلوات بر حضرت رسالت پناه
و سایر ائمه علیهم السلام فرستاد و بسم الله گفت و آیه که گذشت تلاوت نمود پس حضرت امام حسن عم فرمود که بخوان
ای فرزند آنچه حق سبحانه و تعالی بر پیغمبران فرستاده است پس ابتدا کرد و صحف آدم را بزبان سریانی خواند و کتاب ادریس و
کتاب نوح و کتاب هود و کتاب صالح و صحف ابرهیم و توریهٔ موسی و زبور داود و انجیل
عیسی و قرآن جدم محمد مصطفی صلوات الله علیه و علیهم اجمعین همه را خواند پس قصه های
پیغمبران را یاد کرد پس حضرت امام حسن عسکری عم فرمود که چون حق تعالی مهدی
این امت را بمن عطا فرمود دو ملک فرستاد که او را بسرا پردهای عرش رحمانی
بردند پس حق تعالی خطاب نمود که مرحبا بتو ای بنده من [illegible]
خلق کرده ام برای یاری دین خود و اظهار امر شریعت خود و توئی
هدایت یافته بندگان من قسم بذات مقدس خود می
خورم که به اطاعت تو ثواب میدهم و بنافرمانی تو عقاب
میکنم هر کس را و بسبب شفاعت و هدایت تو بندگان را
می آمرزم و بمخالفت تو ایشان را عذاب میکنم ای دو
ملک برگردانید او را بسوی پدرش و از جانب من
او را سلام برسانید و بگوئید که او در پناه
و حفظ و حمایت منست و او را از شر
دشمنان حراست و محافظت مینمایم تا هنگامی که
او را ظاهر گردانم و حق را باو برپا دارم و باطل را باو سر
نگون سازم و دین حق برای من خالص باشد
بانجام رسانیدم این رسالهٔ کثیر الفائده را و
از حق تعالی امیدوارم که در روز جزا
وسیلهٔ نجات این ترقی بحر خطا گردد
تمام شد [illegible]
آخر [illegible]
[illegible] واقع بود

بازبین شد
۱۳۷۹ ش

کتابخانه آستان قدس
شماره ثبت